

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی  
برلین - ۱۵ جولای ۲۰۱۰

## شعر شیرین زبان

"به قمری فرصت کوکو زدن کو؟؟؟  
بدست باغبان تیر و کمان است"

وقتی غزل شیوای جناب "الحاج خلیل الله ناظم باختری" زیر عنوان "شعر و موسیقی" در صفحه امروز، ۱۵ جولای ۲۰۱۰ پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" از نظرم گذشت، متوجه نکاتی گردیدم که درخور زه و تحسین اند و آفرین. من به استقبال یک بیت میروم و بیتی چند بدان پیوند میزنم:

## شعر شیرین زبان

درین دنیا که جور جاودان است  
نهیب ظلم هر دم آشکاره  
ندامت بر زبان خلق عالم  
نمی بینم لبی را شاد و خندان  
زمین را مینگر آغشته در خون  
ستم دیده نگر، ترگشته دیده  
وطن از دست غداران نگوئسار  
حریم اوقتاده دست اغیار  
ندانم از چه رو شادی نمایم؟  
زنم غلتی به سوی ملک شاعر  
خوشا "ناظم" خوشا نظم رسایش  
"به قمری فرصت کوکو زدن کو؟"  
نفیر و ضجه روح و روان است  
شکایتها ز پیر و هم جوان است  
ملامت بر جبین این و آن است  
نمی یابم دلی کو شادمان است  
شرنگ زهر بنگر در زمان است  
ستمگر بین کله تا آسمان است  
دل مردم ببین حسرت کنان است  
ز دست غیر، دلها خونچکان است  
چو روز ما چنین و یا چنان است  
که فارغ از غم و رنج جهان است  
خوشا شعرش که عذب و این چنان است  
بدست باغبان تیر و کمان است"

مگو دیگر "خلیل" از رنج و محنت

بگو از شعر کو شیرین زبان است